

# ی آیه در "ک یخسرو" و هم‌لت، "پسرانش و فریدون" و "پیرشاه" در بررسی از اضطراب

چکیده

را خودت بلاش تمام که همتند براندازن پیروھی ز گران آن قدر قدرت ساختار در ایدئولوژی صاحبان برین از قدرتی صحه در را مشروعیتشان و درآورند خودسلطه تحت را آنها تا کنند هی سخره به نیز براندازن پیروھی که غدهی بازتولید لحظه در را خود ایدئولوژی که اندازه‌هان به به شرایطی در براندازن پیروھی شود داده جلوه نامشروع قدرتشان تا صاحب تا شوند هی گرفتار به موجود طی راه تنها و نیستند امور نظر و قدرت حفظ به قادر که شوند هی کشیده تصویر نشان برای فرهنگ هی روایت ادبی آثار است قبلی نظر احیاء و براندازن پیروھی‌دی‌ناب و برسد هی خود اوج به تراژیک و مجلسی‌ژانر هی درشان باز نمود که همتند قدرت سر بر جدال‌دادن برای خوبی‌ی‌بسترها "ک یخسرو" و هم‌لت، "پسرانش و فریدون" و "پیرشاه" آثار است از گلیس و ایران فرهنگ دو در آن وحشتناک پیام و قدرت در تیش تطبیقی بررسی نشان امر این و گردهی واقعیت در وقوعشان برای طبعی اغلب فرجامشان و هتیش‌دادن نشان برید بهره خود نفع به خود مخالف از تواند هی ایدئولوژی حدهی تا دهی

امور، نظر قدرت، "پسرانش و فریدون" و "پیرشاه"، ایدئولوژی اضطراب: **واژه ک لید**

"ک یخسرو" و هم‌لت

## Pre-print Version

1. مقدمه

در باز نمودنشان که همتند قدرت سر بر جدال‌دادن نشان برای فرهنگ هی روایت ادبی آثار "پسرانش و فریدون" و "پیرشاه" هتیش‌دادن هی در ایدئولوژی خود اوج به تراژیک و مجلسی‌ژانر هی فرجام و قدرت در تیش تطبیقی بررسی برای خوبی‌ی‌بسترها "ک یخسرو" و هم‌لت اغلب‌شان فرجام و هتیش‌دادن نمایش به همتند از گلیس و ایران فرهنگ دو در آن هولناک از تواند هی ایدئولوژی حدهی تا دهی نشان امر این و گردهی واقعیت در وقوعشان از طبع براندازن پیروھی از ایدئولوژی اضطراب قدرت، ختار سا در برید بهره خود نفع به خود مخالف و درآورند خودی سلطه زیر را براندازن تا کنند هی را خودت بلاش تمام آن صاحبان که است حدی به خود لحظه در ایدئولوژی که اندازه‌هان به برین از قدرتی صحه در را مشروعیتشان قدرت تا صاحب تا شوند هی گرفتار به سخره به نیز از براندازن پیروھی که غدهی بازتولید را که شوند هی کشیده تصویر به شرایطی در براندازن پیروھی شود داده جلوه نامشروع بستیشان قبلی نظر بازگرداندن و آنها نابودی هکن طی راه تنها و نیستند امور نظر و قدرت حفظ به قادر است.

در بدون "ک یخسرو" و هم‌لت، "پسرانش و فریدون" و "پیرشاه" هی مقایسه مقاله، این در واژه از و شده انجام هم با هتیش‌دادن وقایع شد با هتیش‌دادن برای نشان ادبی ژانر گرفتار نظر منتخب هی دلتان هی پایه درون شد با هتیش‌دادن شده است تفاده یک به اشاره‌ی‌بسترها «داس‌تان»

عصر هوشکس پیر و فردوسی چند هو دارد روزگ ارشان شد باه در ریشه فردوسی و شکس پیر آن در که دورانی کردند؛ تجربه را مشابهی عصر ایدئولوژیکی و اقتصاد نظری از اندز بوده نوزایی این بود ملی تجارت و داری سرطیه اقتصاد با موازی و ئودالی و محور زمین اقتصاد نیز ایدئولوژی در دهی تحول که شد تکمیلی ادبیات و زبان هه، رنسانس با اقتصاد میانی ایران، در تشیع و آنجلیکان کلمپسای در حکومتی پروتستانس پسم رشد کرد ایجاد ملت یکشان ه از که جایی تا آمیخت دره بوی فرهنگ و زبان با و کرد دگرگون را دیدی ه دولت سلیسی ه رویه در تغییر و قدرت سر بر تنش ایجاد باعث تحولات این کرد ایجاد اول چارلز سرآنی نتیجه در که داد رخ از گلیس در داخلی جنگ و انقلاب مثلا که ای بگونه شد گدید ناب و دتی برای سلطنتی حکومت و شد جدا تن از

بازی زمانه، فضای ازای آیه ایران در غزنویان دوره و انگلیس در رنسانس دوره ادبیات خود حفظ برای قدرت دهی نشان که است تحولات این وزیکایدئولوژی اضطراب و قدرت ه نه دوره این ادبی ه دستان اند دله قرار و ضعیفی پرو دوره آن در مردم و دله تر فدهی یزای یده که همتد مشابهی اضطرابی دهده نشان بلامه دارند، مشابهی مضامین آنها طبعین قدرت تقسیم موضوع مثال، عنوان به بودند ایدئولوژیکی و اقتصاد تحولات باید "پسرافش و فریدون" و "پرشده" ه ه دستان در مردم خولجی جمهوری از اضطراب و فرزندان مخاطب به راترس این ناخودآگاه که شود ختم تراژیک پایان یک به تخیلی و اضطراب چنان با برگرداند عقب سمت به ایدئولوژیکی و اقتصاد نوی تغییرات بس ترا او که کند القاء تنش مسئله با دارد؛ نوین نظر و وضعیت تغییر از ترس در ریشه که فکری نوسانری نوعی بدز بال ه دستان قهرمانان شودی باعث که "گردوش ضحاک" و مکیت در مشروع قدرت سر بر جمهوری جنگ، با را نوین نظر از اضطراب و بلشد قبلی نظر بازگرداند برای و وضعیت تغییر اجتماعی طبقه یا نژاد جنسیت، 'دیگری' از اضطراب ادبی آثار بزند گره جنایت و خولجی سینفیلد آلن کند هی نهادی مخاطب در را اجتماعی و سلیسی تغییر هگونه از اضطراب که دهی نشان و پردازدی دوره این در نامشروع و مشروع خشونت به مکیت مقاله در (1986) احیاء نامشروع خشونت از نمایشی در آن و کند هی سازی عادی را مشروع خشونت چگونه قدرت و مشروع قدرت و است خشونت شکلی ه به خشونت که استلال این از نظر صرف نماید، هی کند هی است فاده قدرت اعمال برای خشونت از دو نامشروع

که بود هراه اقتصاد در سلیسی تغییرات با انگلیس در رنسانس دوره نی برابنا اتفاق ملیت و استعمار، ادبیات و زبان انسانی، و تجربی علوم دیدی، تغییرات با هزمن مسیحیت و پروتستانس پسم کرد، رشد و ئودال پسم با تقابل در ملی داری سرطیه افتاد؛ با اقتصاد استعمار و شد آغاز روم مسیحیت و تولیکاکا کلمپسای با تقابل در آنجلیکان هرنزیه، آغاز انگلیس واقع در بود هراه هه و نژاد زبان، عناصری پایه بر سازی ملیت عصر کرد تجربه رنسانس دوره در قدرت و دانش ه عرصه تمام در را اوطن پسم و گراییی تجربه عصر رنسانس (۹۷۷-۱۰۱۶) غزنویان دوره درادی میل ۱۰ و ۹ قرن در نیز (۹۸۰-۱۰۱۰) فردوسی و زمین ملکیت از اقتصاد تحولات و هد به لشکرکشی فارسی، ادبیات و فرهنگ زبان،

محمودسلطان بود جنگی و فتوحات و هند با بازرگانی و داری سرمایه به لشرافی و ثودالایسم  
ارمغان به ایران برای راهی یمغنا و فتوحات و کردویران را معابد کشید، لشکر هند به باره  
خلافت های روحانیت و نظامیان دار، زمین لشراف شاملی بالا اجتماعی طبقات او زمان در آورد  
بازرگانان و ران صنعتگ مردم، آحاد یعنی 'دیگر' طبقه با تقابل در که بودند عیسی  
نظر از بود همراه نظای غنایم و فتوحات با سندی و ثودالایسم و ملیات. دلشتند قرار  
و لستعمار آن پشت توانه که داد رخ ملی داری سرمایه سمت به تغیراتی جامعه دو ه در اقتصاد  
پایین های رده در عوام طبقه و (غلامان) بزرگان زنان، بود دیگر های سرزمین به لشکرکشی  
سطح در شدی محدود درباریان زندگی و دربار به تراژیک آثار مشغله و دلشتند حضور  
مردم آحاد میان در که بود تحول حال در هانقدر فارسی ادبیات و زبان رنسانس ایدئولوژیک،  
ادوند کلایفورد) یافتی گسترش دیلمیان و اسماعیلیان بویه، آل عیاش (دیگری)  
قرن (1992-51-52) با زورث. بودند عیسی خلفای پیرو غزنویان که آن وجود با (1385 با زورث،  
در محلی شورش حال عین در. داندی ایران غرب نواحی و اسلام جهان در شیعه پیروزی را ده  
ذهبی دیگری یک عنوان به او بودن قرصلی اتهام و وزیر حسنیک طجری و دلشت وجود غزنوی دوران  
از توانی رازان جنسی دیگری یا وزیر حسنیک بودن مذهبی دیگری. کشید داری چوبه به او را  
مثلا دلشت تاریخی بازتاب دوره آن ادبی آثار در که دانست غزنویان عصر واقعیات دیگر  
سپاوش، چون ه که دارد لشاره نژادی دیگری واقعیت به عصر آن در شاهانه ملیتی دو فرزند  
بودند دیگری توران و ایران سرزمین هودو در که یخسرو و سهراب  
گفتان بر حاکم بیتی جهان یعنی فوگو، میشل ایسم مفهوم به توانی کلی بطور  
و شنسی هدتی پایه بر را امور نظر شد کس پیرو و فرودوسی عصر در که کرد لشاره ه عصر، های  
به انسان قدرت و دلش، زنجیره این در. کردی تعریف هدتی بزرگ زنجیره در محور شاه نظر  
قرار خاصی مرتبه در مراتب سلسله این درودات موج تمام و بود حرکت در الهی عروجی سوی  
هی لشاره الهی خلافتی اندیشه به قدرت ساختار در ایدئولوژی بحث در (49) با زورث. دلشتند  
چنین در. دلشت وجود او برابر در چندانی مقاومت امکان و دانستند هی خاندانماید شاه که کند  
رعایا گوید هی المملک نظام از نقل به وی بود آنارشایسم از بهتر بد دولت قدرتی، ساختار  
خلافت و قدرت به منصوب خاوندسوی از شاهن چون نشوند خارج بنگی حلقه از هگز  
کندی لشاره آن قدست به مراتب سلسله این تو صیف در نیز (16) تیل یارد و تهال. هدتند  
در و دلشت وجود قدرت های مانگفت تمام در ایسم این بود سقوط و گناه ریختش بهم که  
که بود اجتماعی طبقه و نژاد جنسیت، دیگری' به متعلق مخالف های گفتان با تقابل  
دیگری' های گفتان. بودند جدا غالب گفتان از قدرت ساختار در و شد نمی شنیده صدایشان  
ظلم دلیل به یا تصویر این به سرسپردگی. دلشت اعتقادی شاهن علاقه مورد تصویر به  
کردی ضعیف را مقاومت امکان که روزمره های گفتان در آن تکرار بدلی یا بود

شده های دلستان بررسی به آن هولناک و رجم و قدرت در تنش تطبیقی تحلیل برای  
و تاریخی زمیعه در که پردازیم هی "کیخسرو" و هملت، "پسرانش و فریدون" و  
طبقه و نژاد جنسیت، دیگری' به متعلق مخالف های گفتان و شدند نوشته مشابهی اقتصاد

وقوعشان از اغلب آن وخیم عواقب و قدرت سر بر تر تشددان نشان. درآوردند نمایش به را اجتماعی که ندهی جلوگ گیری واقعیت در

## پژوهش پیمایشی 2.

گیرگری دیدگاه از راهشاهنمای که است مطالعاتی موضوع اجتماعی طبقه و نژاد جنسیت، تراژدی برای شکست پیر آثار مورد در بیشمار مطالعات مثال، عنوان به. است کرده بررسی و دژولوژی (2010 Kemp)، زنان تی وضع، (2000 Callaghan)، نژاد و جنسیت، (1978, Bradley)، فاقد ال به که شده انجام ی رهغ و، (1985، Hawkes؛ 1996، Henderson؛ 2008، Drakaki) گیرگری، تطبیقی نگاه که شده انجام مشابهی نیز مطالعات شده نام در مورد. همدند تطبیقی نگاه بردگی بررسی به (1396) دیگران ولسدی زهره نمونه، عنوان به. ندارند را ملل سایر ادبیات به. دانندی بردگان از قسمتی را دربار کودکان و زنان و اند پرداخه شده نام در بردگان و معطوف تراژیک هی بخش بویژه فردوسی، و شکست پیر آثار تطبیقی بررسی به توجه اخیرا دو در شاهانه تراژیک و نمایشی هی طرفیت مطالعه به (2014) دیگران و ولدب پیگی. است شده بر کارگ گیری با (2018) صادقی. ند پرداخت "لسفندیار و رسم" و، "سهراب و رسم" دلدتان (1380) حمیدی. بر دسوال زیر را ادبی ژانر سنت شاهانه، سلیسی اقتدار در هگل تراژدی نظریه کرد مقایسه شده نام با شکست پیر نمایشانه پنج در تراژیک عناصرا کفرانسی در / در تراژیک جزئیات و تشابه بودن اخلاقی بررسی به (1399) دیگران و اولادی دلدتان چندین با که دارد را طرفیت این نیز مکتب نمایشانه. پرداختند شیاوش" و مقایسه (فیس 1380) "چوبه به بهرام" و (نمایش 1388) "لسفندیار و رسم" جمله از مختلف برای چندانی جای مقالات میان در رسدی نظر به تطبیقی و محورت تراژدی هی پژوهی علمیرغم شود میزانی الله فرجی نوشته د / د حم لسه جز به است، ندلشه وجود ترکیب سیدی مطالعات هفئودال نبرد ضدئودالی، هی جنبش شاهانه، در دادخواهی سئله که (1380 م. ف. جوانشیر) در قدرت تراژدی و کرده بررسی سلیسی محتوای منظر از راه هی قیام و هشورش شاهانه در مدرن هی نظریه منظر از را قدرت که (1401) رحیمی مصطفی قلم به شده نام بررسی به نیز (1396) دیویس دیک از ز / افرم انی و حم لسه کتاب. کندی بررسی پژوهی یک مقالات، مجموعه این میان در پردازدی شاهانه درباره غلط هی داوری پیش و نشد شاهه دیرگری و ایدئولوژی هی اضطراب به فرهنگی ماتریال بیسم نگاه با تطبیقی پژوهی رو این از. نشد یافت نیز بلشد پرداخه موضوعات این از یکی به مستقیما که اثری افزایدی هآن به نویسی فصل مقالات، این نتایج از مندی بهره عین در حاضر

## ی شناس روش 3.

ساختار در ایدئولوژیک هی اضطراب مقایسه به تطبیقی روش با هراه فرهنگی ماتریال بیسم دره و هملت فرهنگی تاریخ از بخشی فرهنگی ماتریال بیسم در روایت پردازدی قدرت و بازسازی امکان که آنجا تا راهبرد این در. همدند ادبی غیر و ادبی هی روایت دیرگر با تنیده

نیز شده انجام تغییرات مشاهده و تغییر امکان دارد وجود روایت به مرطوط واقعیات شناخت که دهی نشان اجتماعی طبقه و جنسیت نژاد، در 'کریگری' و وضعیت مثال برای وجود بررسی با. است کرده تغییر چگونه کتون تا اثر نژادگارش زمان از 'هانند' و 'کریگری' فرهنگ یک از فرهنگی مایال پیم. یابدی افزایش خرد و کلان فرهنگ دو آگاهی سطح 'کریگری' در هواره و نیست یک پارچه قدرت که دهی نشان و کندی بررسی را هگسل و هالشیچ سو ای (ISA) ایدئولوژیک ابزاری، هو از تا کندی وادار را قدرت تهدیدات این. است تهدید معرض فعلی سطح از دیگرسوی از. کندی استفاده خود مشروعیت و بقای بر (RSA) سرکوبگر که دهی نشان و است فرهنگ دیدگاه باای مقایسه حاضر پژوهی بودری فراتر آگاهی است. به شیوه اندازه چه تا ایران و انگلیس فرهنگ ادبی آثار در قدرت کارکرد

#### 4. بحث

##### 4.1. ایدئولوژی

هی قدرت اعمال به خشونت بدون قدرت صاحبان آن طریق از که است قدرت روبرو بنای ایدئولوژی را براندازن پیروهای حال عین در دارند هی ننگ مشروع را خود قدرت ایدئولوژی با یعنی ردازند، پدهی جلوه نامشروع را ایشان بدست قدرت صاحب و برندی حشده به سکوت در گملوله" در ملت گرین استتفان. آنهست قدرت و براندازان هار در نامرئی سلاجی ایدئولوژی ومعترضان تهدید هار برای براندازی از که کندی شماره حاکمی طبقه به (40) "نامرئی های هار و تولید به مکرر و متمرکز بطور شکست پذیرگی نمایشنامه": کندی استفاده نظمی بی یک در قدرت صاحبان" (۱۸۱) پروپی نیماهی فیهگ به "پردازندی نظمی بی و براندازی مثلا - بدهند معترضان و براندازانه اجلسات صدای به کوتاه الیچ توانندی خاص فرهنگ از پس فردوسی و شکست پذیر آثار در " کندی حفظ را نظر نهایت در تا - بدهندشورشی اجازه افندی اتفاق حاکم طبقه نفع به نظر احیاء براندازی،

نمایش واقع در. دهدیم نشان را 'کریگری' شاهانه و شکست پذیر تراژیک هلدستان تا دهدی ط به استثنائی فرصتی هلدستان این و است 'کریگری' نمایش مستلزم 'هانند' هی سلیسی قدرت تبیین به فردوسی و شکست پذیر. کندی شاهه را اوشرایط و 'کریگری' طبقه وادزرت، جنس نظر از 'کریگری'. کندی بیان تراژیک آثار در آن هی تنش و پردازند و سودابهسپاوش، مادر جنسیت 'دیگری' مثال، عنوان به. است متفاوت تراژیک آثار در اجتماعی ازسپاوش مادر. کشندی چالش به را امور نظر که همدند براندازی زنان هان. همدند منیژه هی را بیژن منیژه و کندی عشق اظهارسپاوش، خوانده پسر به سودابه. کندی فراتر و روان شودی پناهنده ایران به سپس و آوردی شاه فرصر به و دزد

##### 4.2. ادبی آثار و قدرت

مخالفتان هاربرای قدرت عملکرد و هلس تراژدی بازنمایی ه و قدرت بند ابزار ه ادبی آثار  
آثار بشوند ه گذلنده نمایش به آثار این در و وضعیتشان و خرد ه و رهنگ کلان، و رهنگ  
هلس تراژدی و قدرت اجتماعی و سلیسی ه اضراب هی دهنده نشان نیز و ردوسی و شکس پیر  
دیگری معترضان، هار مخالفتان، با مقابله و سو یک از خود مشروعیت و بقاء حفظ برای آن  
اندازه هان به و ردوسی و شکس پیر رو این از. است دی گرسوی از مخالفتان از دیوسازی و سازی  
ایدئولوژیک ه اضراب ب بیان گر همتد، خود ه و رهنگ در زبانی و ژادی آگاهی ب بیان گر که  
و ری بکارانه هلس تراژدی دهنده نشان دو این آثار. همتد نیزشان زمانه پاشاهی نظام در  
هی نشان و کند ه یمرس کیگری' با تقابل در را هانندی' و 'هانندی' وضعیت و است قدرت  
چه باب راندازی، صورت در و کند کنترل را مخالفتان ت و انس ه هان زمان در چگونه قدرت که دهد  
است کرده احیاء را امور نظر راهکارهایی

و روبنا در ایدئولوژی است بخش دودارای قدرتی ساختار ه آل تومسر لویی عقیده به  
اقتصاد قدرت ساختار شالوده یعنی دارند؛ یکدیگر با دوسویه ای رابطه که زیر بنا در اقتصاد  
ابزار. کند ه ارک (RSA) خشونت و (ISA) ایدئولوژی ابزار دو با روبنا در اط (134) است  
نیز ارتش و پلیس و است ادبیات و هنر آموزش، خانواده، متمدن نهادی شامل قدرت ایدئولوژی  
محسوس و سخت قدرت برابر در نامحسوس و نرم قدرتی واقع در. همتد آمیز خشونت ابزار ه  
لساس این بر و است 'هانندی' و 'دیگری' خود، تعریف ایدئولوژی روبنا در قدرت کار. است  
به مجبور تا کند ه جلوگیری نرمی شده به راندازی از و کند ه توزیع را قدرت و ثروت  
دارای خود مخالفتان با مواجه در قدرت. نشود فاختال سرکوب برای قهریه نیرو ه از استفاده  
است ایدئولوژی ه اضراب

از جلوگیری برای منسجی ابزار و است قدرت ایدئولوژیک روبنا به متعلق ادبیات  
شکل را انقلابی ت واند ه که حال عین در شود؛ ه محسوب مخالفتان و شورشیان علیه خشونت  
صرفاً ابزاری ادبیات آل تومسر نظر از الیه. کند ه هیری را مخالف ه جنیش و ده  
هو ندارد بیرون ایدئولوژی یعنی ندارد، ایدئولوژی از رفتی بیرون راه و است ایدئولوژی ه  
حفظ را قدرت ساختار تغییرات اندکی با تاگ پیرد ه شکل ایدئولوژی خود درون از انقلابی  
گسل معتمدند که است و رهنگی ه ماتریالیست رأیا در مقاومتی جچه او، نظر خلاف بر. کند  
از پیوسته باید قدرت هین برای همتد تغییر برای ای مقده ب نا زیر و روبنا در ه  
ادبی متن بالای ظرفیت به دیدگاه هینلساس بر (2000) سیدنیفیلد. کند دفاع خود ایدئولوژی  
هی ب بیان را خرد و کلان و رهنگ که هانداز هان به و رهنگی اثر یک عنوان به که کند ه اشاره  
با ادبی متون هستی علمیرغم رو این از. بیابد هست دو این از فراتر آگاهی به ت واند ه کند،  
جلست ایدئولوژیک ابزار ه دیگر از حسابشان حاکم، قدرت لشاع و بازتولید در ایدئولوژی  
بیابد همتد خرد و کلان و رهنگ از فراتر ارزشمندی آگاهی به چون

### دیگری' ایدئولوژی ه اضراب 4.3.

در کشد هی چالش به را آن حاکمیت و مشروعیت که است تهدیداتی ز گران دائما قدرت ساختار سرکش، زنان انقلاب، کودتا، شورش، از اضطراب فردوسی و شکست پیر تراژیک هی دستان ری زندگی بهم را امور نظر که دارد وجود غیره و مردمی مقاومت خولگی، جمهوری بیگانگان، جادوگران، براندازی، هو در نیستند قدرت به دستیابی از پس امور نظر اصلاح و امور اداره به قادر و قبلی قدرت ساختار تا شود هی ای بهانه مسئله این نیست، اصلاح قابل و شده تر وخیم اوضاع مکانیسم به (135) شکست پیری را تمناک در "نظامی حقوق" در ملت گزین شود احیاء این حاکم قدرت کرد هی عمل اضطراب با که کند هی اشاره رنسانس عصر در قدرت روانی تغییر و معتز صان دادن نشان دیوب رای آن از وعده دانست هی " مفید اضطراب" را مکانیسم فعالان که کردند می اداره را دولت که که سازی": کرد هی استفاده خود نفع به رف تارشان ترس و ناامنی مقداری که بودند باور این بر حاکم نخبگان چون بروراندند هی را شرایط این به حکومتی نهادی و (هان)، "است صحیح هی وفاداری بروراندن بر رای مفید و ضروری عنصری هی اضطراب فردوسی و شکست پیر تراژیک تر هی دستان در کردند هی هایت را و وضعیت این عهد و امور اداره از قدرت آوردن هست به از پس و ری زندگی بهم را امور نظر که دارد وجود ایدئولوژی هی مانندی عاجزان اصلاح

دارد تفاوت با و است (هانند از غیر یعنی) ط از غیر که شود هی اطلاق کسی به دی گری هوگ ز او بیان به بردی سوال زیر غرب فلسفه در رادی گری ستف رود هیتلوی ناس انازنل وی، عقیده به کند هی صحبت اوجای به فقط بلکه شود هی صحبت رو در رادی گری با (51) است دار معیا اخلاقی نظر از آنها دو این رابطه و است هانند هیت بر رای لازم شرط دی گری او غیریت بر تا یکید و دی گری حذف با" هانند امپریال یسم"، هزمانی ه در بنا براین (1991) یاسرکوب قدرت احیاء جریان در (اجتماعی طبقه و نژادت، یجنس) کی گری' (39) است شده آغاز یک خود براندازی نمایش است موجود قدرت احیاء بر رای فردستی براندازی شود هی حذف را احیاء تراژیک هی دستان است حاکم قدرت ظحف و مرج و هوج کردن خنثی بر رای است تراژدی این از برخی ال به شود احیاء موروثی پاشاهی قدرت ساختار که کند هی بیان نحوی به دولت قدرت، اصلی منبع دهی میدان هان به خود بر قاء بر رای ایدئولوژی ویده مفید لها اضطراب ادله بر رای را خشونت و ایدئولوژیک بر لیغات از استفاده که است سلطنتی امروزی، بیان به اضطراب از یعنی کند هی کار اضطراب با قدرت ساختار کند هی تایید خود سلیسی اقتدار توجه بر رای را هیی مکانیسم دی گرسوی از کند هی استفاده مخالفان شدید کند ترل بر رای زفرت کی گری' که کند و دوام تا گ پیردی بر کار کی گری' علیه هگ فتمان یا خشونت اعمال شود حذف یا کند ترل باید و است خطرناک و از گیز

## 5. بررسی

### 5.1. "ک یخسرو"

پیران اف رلسیاب، وزیر آه بدنی یا او مرگ از پس که است سد پیاوش پسر ک یخسرو زنده بر رای و بدانند خود پدر در باره چیزی نباید او. یابدی رورش تا دهی شد بانان به را او ویسه،

هی ویسه پیران به اف رلسیاب . که بخد بازی را دیوانه یک نقش بایدا فرلسیاب سرزمین در طندن  
گگوید:

سیاوش کز کودکی این از ناپدیدشد روز مرا وییگ تو  
رسید ...  
شاد بشیم نیزیط وشاددی  
زیارد گذشته کار چو برید بپایدسر درپ بسان  
بیاد  
پدید آید بدخوی هیچ گرو

ک: بیخسرو به ویسه پیران دیوانگی شد نهاد پی

کن دور خرددل از فتگ بدو کن سور پلسخش آورد رزم وچ  
بیگانگی به جز اوش پی مرو دیوانگی به جز زبانردانگم

بداند خود پدر درباره چیزی اگر . لست هلسناک او از شاه و لست دیگری اف رلسیاب نی سرزم در او  
و آورد هی ایران به را او گویو . بکشد را او لست هکن نیشاه و ردبگی از تقام لست هکن  
سرانجام و دخی انجام تورانیان با جنگ چندین او خواند هی خود ول یچهد را او کیکاوس  
در و دهی لهرلسب به را خود پاشاهی حکومت سپس . کشد هی چیچست دریاچه در را اف رلسیاب  
شود هی ناپدید برف

ببین ازدواج از حاصل فرزند و امور نظم خوردن بدهی درباره ایڈول وژیکیها اضطراب  
در او شود هی انجام لست دیوانه او اینکه فرض با توران در ک بیخسروسرکوب . همتند نژادی  
هی ره را قدرت و کرده قرار بر را صلح کند ، هی نابود را دشمن که لست ایران آل ایده شاه شاهانه  
را امور نظم او اف رلسیاب کشد تن با نهایت، در . لست سیاوشی دیوانه پسر او ران تو در اط کند  
کندی احیاء

او ک بیخسرو دلستان در آنکه حال لست قدرت صاحب سر بر تیش دیگر ، یها داستان در  
لست قدرت گرفتن سخره به در او عمل شد گفتی . ندارد آن به خاطری تعلق و کندی ره را قدرت  
جوان فرد به را قدرت چون لست ستودنی . لست مذموم هوس تودنی هواقدام قدرت ، تارساخ دید از  
نزیست قائل ارزشی قدرت برای چون لست مذموم اط کند اداره بهتر را امور تاسپارد هی تری  
ندارد ارزشی قدرت آن از پس و لست بوده پدرش از تقام گرفتن او حکومت وظیفه تنها گویی  
زند هی پیوند همسای مرگ به رلسیاب مرگ تراژیک فهموم اواقدام

یک نقش او هم این برای . لست پدرش خون از تقام دزبال به ک بیخسرو طند زین هملت  
یک دیوانه عنوان به او . دانند هی دیوانه را او واقعا دیگران که جایی تا کندی بازی را دیوانه  
مدر همت ، دیدگاه از . نماید احیاء را خود پدر زمان در امور نظم خواهی که لست حکومت دردیگری



ازدواج کمودیسوس با خودی مرده هسرب رای سوگ واری جای به که لست بر انداز و سرکش زنی او خود مادر جای به رادی گری کس هو یا اف یلیا تو واند نهی خود اودیپی عقده دل یلی به هلت . کندی که زمانی تا . ندارد خوبی ک نایی معنای که برود صومعه به گوید هی لیا فی به پس بر پذیرد بسده مادرش سوی به راه هلت او چون بر کشد راک کمودیسوس تو واند نهی هلت لست زنده مادرش کی بهانه به بر کشد خواندن دط حال در راک کمودیسوس تو واند نهی حتی او . اوست ناچی نوعی به و لست بر درباری نمایش یک با را خود پدر مرگ هلت . بر فرستد بهشت به را او روح ن باید اینکه هی مطمئن دارد شاه قتل به شبیه مضمونی که ای نمایشنامه در . کندی فراف کنی کمودیسوس به را او و کندی وحشت هلت عجیب اعمال از کمودیسوس . لست برادرش قاتل کمودیسوس که شود را ناه متن موضوع این داستان با هلت شود کشه آنجاشاه هست به تا فرستد هی از گلیس همدند بر یکی دوگ یلاندس ترن و روزن کراتس بشوند کشه ناه حاملان که دهی تغیر طوری بشوند هی محسوب اجتماعی طبقه دی گری هآن . ندارد ارزشی هلت بر رای هآن زندگی که

روانی سلامت پدرش مرگ زا بر عد اف یلیا . کشد هی مادرش اتاق در اولون بیوس پ هملت به پدرش خون از تقام بر رای اف یلیا ، برادر ، لارتس . کندی خودکشی و دهی هست از را خود که کندی فر و دهی ترتیب قدرت دوئل یک لارتس و هلت برین شاه گددی باز دانمارک را نروژی فرورتیند برانس هلت و میرند هی دوئل در هه . کشت خواه را هلت لارتس مسموم شمشیر زن و نامشروع شاه . نماید هی احیاء را مشروع شاه نظر و کندی معرفی دانمارک شاه بر رای هیچ شد نهی ظاهر او بر هلت پدر روح اگر . همدند دلستان ایدئولوژی هی اضطراب سرکش روح و هلت بر خاطر که لست ای گونه به دلستان ترژیک ساختار داد نهی رخ از عاقبات این از یک هی شکسده پیر . لست از تقامی لحظه انتظار در ابتدا از مخاطب . کندی پنداری هذات پدرش و گنشت هی کمودیسوس گناه از هلت مثال ، بر رای برساند ، پایان به دوستانه را دلستان تو واندست هی حفظ لحظه آخرین تا را قدرت سر بر ترش او ام . زدی کنار قدرت از دی گری شکل به را او برود رفقه هست از غصه هفت گام در که نماید احیاء خونریزی و خشونت هان با را قدرت تا کندی خود ، اثر در بر هلت گرین . نویسد هی را هلت که لست هیش اضطراب و ایدئولوژی دیر پای و پردازد هی دربار ایدئولوژی در کاتولیک اعتقادات مسئله به ، (2001) بر رخ در هملت یافه تغیر بر روتس تانیم به رسمی بر صورت هچند دیر پلست ایدئولوژی که دهی انش هی دربار از را مشروع قدرت سو یک از هلت در فرهنگ و اقتصادی تحولات پیشیه . بلشد گنشته به بر رخ در روح حیات چون باور هییی با دید گراز سوی و کشد هی را هلت پدر و گبیرد . طندی وفادار

دو هو و اندمرده دو هو پدران . همدند دیوانه که کندی وانمود دو هو خسرو کی و هملت هانند ابتدا در هآن دوی هو شود احیاء مشروع قدرت تا برگیرند را پدرانشان خون از تقام باید شود هی بر قایشان بر رای خوبی بهانه دیوانگی و گیرند هی قراردی گری موقعیت در ام همدند نیز هلت و لست دی گری تورانیان بر رای توران سرزمین در خود ایرانی پدر خاطر که بیخسرو ک بیخسرو مادر چون هوز اف یلیا و هلت مادر . عمویش دربار در خود دیوانگی نقش خاطر به لست به تر نیز اف یلیا و لست کمودیسوس هست هلت بر رای گرت رود . همدند جسدی دی گری

قدرت و گ‌یرندی را خود پدران از تقام پ‌ایانی لحظات در دو هو یخسروک و هلمت بی رود صومه به همدند امور نظر نابودی و از تقام در باره دلس‌تان دو هو گ‌رداندند برهی خود مشروع صورت به را

## ۱. پ‌رشداه و "پسرانش و فریدون" 5.2.

و ایران‌هی جنگ با هراه که است سلطنتی قلمرو تقسیم در باره پسرانش و دونی فر داس‌تان هی تقسیم قسمت سه به را جهان فریدون. انجام هی او برای سوگ‌واری و ایرج مرگ به توران تور و سلم نظر در ایران. دهی ایرج به را ایران و تور به راشرق سلم، به را غرب. کند اضرخ ایرج آنها خلاف بر. ورزند هی حسادت ایرج به دو هو پس. است پ‌اشاهی قلمرو به‌ترین. کشندی را او تور و سلم اط. باشد صلح در برادرانش با تا کند نظر صرف خود سه از است. برادرشان کشدن خاطر به را تور و سلم و گ‌یردی را ایرج از تقام منوچهر نام به ایرج نوه به ش‌بیه که است برادر سه میان زمین تقسیم از دلس‌تان این در ایدئولوژی هی اضطراب. کشد در بریندی ایران صاحب را او برادرانش آنکه از پس ایرج. است مردم برای عمومی خواجه هوریج نتایج و خواجه جمهوری از دلس‌تان این در فردهی شود هی تبدیل د‌گری به ایشان نظر او. کند هی ی‌کدی گر با جنگ درگ بر را فرزندان که دهی نشان درباری خانواده سطح در را آن کشی برادر. کشدی تصویر به سلطنتی حکومت متمرکز اقدار و قدرت بیان برای را اضطراب بنا دفاعی مکانیسم شود متوقف فرور باید که باشد زمین تقسیم مرگ بار پ‌یاد اولین شاید هی برقرار را سلطنتی مشروع نظر خود از تقام با منوچهر است خود پسر دو هو کشدن فریدون تقسیم را خود حکومت که است فریدون این براسدی دهی منوچهر به را ایران دونفری و کند نظر خود پدر مان‌ند نیز او جوان پسران. زندگی هو به را امور نظر که است کسی اولین و کند، هی را ایران پ‌اشاهی، احیاء با فریدون. نیستند قائل برادر کشی برای ق‌بچی و زندگی هو به را جمهوری قدرت گونه هو از هواس حالا عین در و کند حفظ را موروثی پ‌اشاهی تا دهی خودی نوه به نماید نهادی مردم خه در را

به را نظر که است موروثی پ‌اشاهی شاه‌ها تراژیک‌ی‌ها داس‌تان در قدرت ساختار که گویدی هل پ‌یتر از نقل به (1994) س‌ین‌فیلد. کند هی حفظ مراتب سلسله صورت آن به // *بیزاب* هی *جهان تصویر* در ت‌یل‌یارد که بود وفادارت تصویر به شکس‌پیر پذیرش بر م‌بتی اخلاقی، ی‌اس‌یلیسی مذهبی، از امر شکس‌پیر، تفکرات تمام " کند، هی اشاره است، حیوان از بالاتر انسان دارد وجود عادلانه نسبت چیزه در. است نظر از مفهوم این ک‌امی که است شاه هست در حکومت (184) " پ‌اشاه از بالاتر خدا و است انسان از بالاتر پ‌اشاه داده نشان م‌تلف لش‌کال در آن احیاء و نظر این زند بر هو شود هی اعمال مردم بر مق‌تدرانه بصورت هی اط شود نهادی مردم در جمهوری قدرت از شکلی هو از ایدئولوژی ک‌هواس که‌ای به گونه‌شود هی هو و یافت هی نجات ایرج هو که نوشتن ای گونه به را دلس‌تان فردهی چرا که پ‌رسیدن وان جزء ای چاره که بوده آور خفقان آنقدر اوی زمانه فرضای آ‌باشدن هی اداره اقدار با قلمرو هسه نوشتن؟ این‌گونه را دلس‌تان که دلس‌هواس قدرت تقسیم از چنان او یا ندانست؟ ایرج کشدن را دلس‌تان بخو‌اه آنکه بی کشیده تصویر به را خود زمانه واقعیت از گ‌زارشی تنها او شاید

زمانه یا که دلشت نظر در بایده سوالات این به پاسخ در. که عود را مردم ذهیت یا دهته تغییر این نگارش حال هو به بود، و سلطنت متمرکز قدرت طرفدار او یا بود آور خفقان بسیار اوی همتند نویسی مخالف و نویسی ایدئولوژی از نوعی ادبی آثار. است ارزشمند بسیار همتاندا ی گف به نیز خوانی مخالف. آورندهی در نمایش به آن تمسخر یا وس تایش برای را قدرت که هست گسل و هف رهنگ خردمدادن نشان‌ی نتیجه (2002، 756) سید فیلا

با امور نظر خوردن بهم و شاه فرزندان بین قدرت قسمت درباره نیز ریل شاه داستان هی تقسیم فرزندانش عشق بر اساس را خود حکومت لیر شاه. است درباری خواهی جمهوری نوعی عشق ت واند نمی کوردل یا، او، کوچک دختر. که جداسخنانشان از را چاپ لموسی ت واند نمی و کند هی چاپ لموسی ریل گان، و گوزریل لیر، شاه گدی دختر دو بگیرد سهی و کند ابراز را خود با کوردل یا. گذارند نمی او درباریان به احترامی و دانندی خرفتی پیر را او که حالی در کند نجات را پدرش تا کند همه از گلیس به خواهی فرانسو ارتش از و رودی فرانسو به خود هسر یک لیر شاه" در (2004) دالیمور جانانان. است رانده خود از را او پدر که زمانی ه آن ده و دارایی قدرت، درباره لیر شاه که کند هی اشاره مسئله این به "طریالیستی خوانش بر اساس که دخترش با شاه رابطه طند چرخه هی چرخه این حول مردم روابط و (197) است وراثت پدر دارایی از قسمتی دختر، (199) نلس برده و ارباب ارتباط نوعی و دختر بر پدر ملاکیت است.

نویسنده خود قلمرو در او را اداره به قادر که همتند جنسیتی در گری ریل شاه در زنان شاه و شود هی آویخته دار به کوردل یا. کشد هی راری گان، خواهش، گوزریل نمایشنامه، پایان در او شود هی دیوانه کوردل یا مرگ و صبر خص آن دهه تناک نتیجه و خود قلمرو تقسیم از پس لیر خود از و کند درک را مردم مشکلات ت واند نمی او شود؛ هی تبدیلی نیز اجتماعی طبقه دیر گری به او (2018) سید است و شکند پیر جبار، در بملت گرین‌ی عقیده به شود هی بیگانه نیز از و زندگی پرسه سردرگم شدیدت وفان در که بردهی پی‌دی گری حضور واقعیت به زمانی تنها (121) کند هی شاهه را خانمان بی‌مردم نزدیک

بی توفان این ضربت‌های تحمل به ناچار که عریان، بختان تیره یا و گرسه شکهای و بالش بی‌سرهی چگونه همتید، کجا هو رحمد، آه، بلشد؟ روزهایی چنین مقابل در شما دفاع ت واند هی شماژنده لیل‌های (1263 بازارگادی) اندلشم مسئله این به توجیهی رها روزهای در می‌هک

دلک. همتند اجتماعی طبقه دیر گری ادوند و دلک و نژادی ری‌گد فرانسو ارتش ندارد شاه کنار در قدرت از سهی هیچ ام. گوید هی شاه به طنز و شوخی زبان به را امور واقعیت ناه نمایش این در ایدئولوژی‌هواس ترین هم. است دیر گری و گلموس تر ناشرود فرزند ادوند فرزندان سوی از شورش از ترس شود بپان‌مغشوش دلستانی در باید که است خواهی جمهوری

توزیع ذهنی اجازه شکست پیر چرا که است این سوال شود هی احساس اجتماع در مردم و خانواده  
یا بند؟ هست قدرت از قلی خدا به مردم و شود انجام خوبی به قدرت

و گونریل کند، جدا عشق از را چای لمسی تواند نمی شاه که است ای ونه گ به داس تان  
او. نماید قدرت اعمال تواند نمی دی گر و شده دیوانه ل پیرشاه نیستند، اموری اداره به قادر ری بگان  
ژاک ی گ ف به به فرزندان عشق به نه و است قلمرو ت صاحب معنای به ب ودن شاه که داند نمی  
ت قسمیم با. کرد جدا در بار مال کیت و هی ریت از اشاه و پدر نامت وان نمی که داند نمی اول مکان  
را پدر یک افتاد دی گری یعنی. دهی هست از کشور و خانواده سطح در را خود پاشاهی قلمرو،  
هیچ اگر شاید. است هر که واگذار خود دختران به را قدرت چون ندارد مردم و خود فرزندان برای  
شکست پیر ندشت، وجود مردم شورش و خولای جمهوری قالب در قدرت ت قسمیم از ایدئولوژی کوهاس  
هی و نبودند جنسی دی گری شاه دختران که بنویسد ای گونه به را دلس تان ت وانست هی  
نمی لوژی یکی ایدئولوژی کوهاس اط شد نمی کشه که وردل یا و دیوانه شاه کند، اداره را امور ت وانستند  
ب. نویسد دی گری طور شکست پیر گذارد

را آن و گرفت به خود زمانه هی واقعت از را دلس تان چه تا شد شکست پیر که ستی ن روشن  
بطن در را خود آثار او. است داده نشان را ایدئولوژی یکی کوهاس از خودت رس یاداده، نمایش  
خولای جمهوری. ب. و دند ت تغییر حال در بیمفاهی ه که زمانی در یعنی نوشه رنسانس رویداده  
از دین ت تغییر هراه به را از گلیس سرنوشت کل ت وانست هی که بود قدرت از شکلی  
وجود قدرت ت قسمیم از هلیسی چنان دلیل، همین به دهه ت تغییر پرتوس تازیم به کاتولیسیم  
شاه با ندری پ هسان. دشت و خود زمانه و ضای باز آفرینی و تالی به را شد شکست پیر که دشت  
در ثروت و قدرت توزیع به است هکن که است مخاطبی تظهور برای او ت رازیک پایان و ل پیر  
جمهوری پیکر به ضربه آخرین دلس تان پایان در گناه بی کردل یای کشتن. ب. پندیشد جامعه  
است خولای

ظرن به. است آن نتایج و قدرت ت قسمیم درباره ل پیرشاه و "پسرانش و فریدون" داس تان  
کهن و شد ترک جمعی ناخودآگاه از نلشی دلس تان دو این شد باه (1390) دی گران و خدادادی معصوم  
ی زمانه رویداده و در نظر هی شد باه از نلشی هشد باه این حال یک در است ادبی ال گوهی  
و ملی ادبیات شکوفایی افول، به رو فئودالیستی اقتصاد ساختار فردهی، و شکست پیر  
مردم میان نه و شود هی انجام شاه فرزندان مابین و در بار در قدرت ت قسمیم. است تاریخی وقایع  
شاه دیوانگی را آن هک نتایج. است شده داده نشان فرزندان به دادن سپهر با خولای جمهوری از هواس  
ب. رادرانش برای دی گری "فریدون" دلس تان در ایرج. دهی نشان قدرت شالوده پلشدین ه از و  
او که حالی در شده داده او به که است قلمروی ترین ه ایران که کند هی ف. کراو برادران. است  
احیای و منوچهران تقام با دلس تان. زندگی ه به را نظر برادر کشی. است شاه فرزندان ترین کوچک  
رسد هی پایان به نظر

نظر براندازی و برادر کشی از ایدئولوژی کوهاس، "پسرانش و فریدون" داس تان در  
تا دشت ایران و هند در مذهبی دیگری از و محلی کوشورش از غزنوی محمود که هلیسی هان دارد وجود  
مانند سلطنتی حکومت ت قسمیم در ایدئولوژی کوهاس شد آویخته دار به وزیر حسرت که حد آن

نمایشنامه در دلخواه تیرتا. است امور ملاکیت و اداره در شاه فرزند مشارکت و جمهوری الگوی داخلی جنگ. است خولگی جمهوری یا قدرت تقسیم گونه هو از پرهیز و متمرکز سلطنت از مراقبت "پسرانش و فریدون" و "پیرش" چون ههیی نمایشنامه با که است ایدئولوژیک دیرگرواس شودیم داده نشان به تر

## 6. گبری بی نیت

تحول از مشابه بستری در قدرت چگونه غرب، وشرق ادبیات درهک دهی نشان پرژوهی نیای فریبکارانه ترفند و مکانیسم چه از خود بقای حفظ برای و کندی عمل فرهنگ واقعات تصادی دیرگری و خردهی فرهنگ جایگاه دهی دهی نشان منتخب آثار در موجود شواهد. کندی است استفاده ای هود و ردوسی و شکست پیرشد ذکر مقاله در آنچه به توجه با بنابر این. همدند قدرت ساختار در حالی در. بودند آگاه نویسی تغییر و نویسی فرهنگ سازی، ملت یعنی نوشتند آنچه ارزش از هشد کاف تفاوت کردند، محافظت آنها از نوشتند را خود زمانهای فرهنگ و هلسطوره دو هو که از آگاهی منتخب، آثار بررسی با تطبیقی پرژوهی این. دادن نشان نیز را تغییر امکان و تا رودی بکار مختلف فرهنگ روایی آثار در که دهی نشان را ههیی شیوه و قدرت ساختار قدرت های گسل مصادیق. کندی فرهنگ گسل و هشد کاف دادن نشان با تغییر برای را زمیه از نهفته قدرت همباز مردم، تا دربار به پرداختن به عملی که دهی نشان خردهی فرهنگ و حاکم نژادی، خردهی فرهنگ دادن نشان. برزند بهم را حاکم قدرت مشروعیت تواندهی که است مردم آن. است آگاهی و عالی سطح از رهیی برای است شنایی فرصت یک اجتماعی طبقه و جنسیتی های اضطراب های مولفه بین معناداری شباهت که دهی نشان تطبیقی تحلیلی این شواهد. دهی پیروند غرب ادبیات به رانشرق ادبیات که دارد وجود تراژیک آثار این در ایدئولوژیک ملت دو جمعیتی حافظه و فرهنگی های روایت که است واقعیت این بیانگر تشابهی چندین پرژوهی نتایج گردی سوی از. است شبیه به هلدستان زیر ساخت در ایران و انگلیس و انگلیس ادبی آثار. انجامی و راف فرهنگی دیدگاهی به مختلف فرهنگ دو طبقه تطبیقی اندک ردمس پیری آنها با را خود روزگار کشور دو هو که است ارزشمندی فرهنگ میراث ایران

7.

## *King Lear* and "Fereydoun and his Sons", *Hamlet* and "Kay Khosrow" in the Mirror of the Anxieties of the Other

### Abstract

**Introduction:** *In the power structure, the ideological anxiety of the subversive forces is such that its owners do their best to subdue the subversive forces and destroy their legitimacy in*

*the power scene. As much as the ideology reproduces itself at every moment, the subversive forces are also mocked to make their seizure of power appear illegitimate. Subversive forces are depicted in a situation where they are unable to maintain the power and the order of affairs, and the only solution is to destroy them and restore the previous order of affairs. One of the benefits of literary works is that they are cultural narratives to show the conflict of power, whose representation reaches its peak in epic and tragic genres. The stories of King Lear and "Fereydoun and his Sons", Hamlet and "Kay Khosrow" are good grounds for comparative analysis of the tension in power and subversion. Demonstrating them and their resolutions often prevents their occurrence in reality.*

**Background of the Study:** *Gender, race and social class are the subject of studies that have examined the plays from 'the other' point of view. For example, numerous studies have been conducted on Shakespeare's works for gender and race (Callaghan, 2000), the status of women (Kemp, 2010), ideology and 'the other' (Henderson, 2008; Hawkes, 1996; Drakaki, 1985), etc. Of course, they lack a comparative view. Similar studies have been done about the Shahnameh, but they also do not have a comparative view. Recently, attention has been directed towards doing comparative studies between Shakespeare's and Ferdowsi's works, especially the tragic parts. Despite the tragedy-oriented and comparative studies, the place of Marxist studies seems to be few among the articles. Among this collection of articles, a comparative research with the view of cultural materialists on works was not observed. Therefore, the present research, while benefiting from the results of the articles, adds a new chapter to them.*

**Methodology:** *Cultural materialism along with the comparative method compares the ideological anxieties in the power structure. Narratives in cultural materialism are a part of the cultural history of nations and intertwined with other literary and non-literary narratives. In this approach, as much as it is possible to reconstruct and recognize the facts related to the narratives, it is also possible to change and observe the changes made. For example, the status of 'the other' in race, gender and social class shows how the culture of 'the other' and 'the same' have changed since the writing of the work. On the one hand, cultural materialism examines challenges and faults and shows that power is not unified and is always subject to threats. These threats force the power to use any means, ideological (ISA) or repressive (RSA) for its survival and legitimacy. On the other hand, it goes beyond the current level of consciousness.*

**Conclusion:** This research shows that the power uses every mechanism and deceitful trick to maintain its survival. The evidences in the selected works show how subcultures and Others existed in the power structure. While writing and protecting the myths and cultures of their time, both of Shakespeare and Ferdowsi displayed the differences, gaps and the possibility of change in the opportunities they encountered. The evidence of this comparative analysis shows that there is a significant similarity between the components of ideological anxieties in these tragic works, which connects the literature of the East with the literature of the West.

**Key words:** Ideological Anxiety, Hamlet and “Kay Khosrow”, King Lear and “Fereydoun and His Sons”, Power, The Order of Things.

## 8. References

- Althusser, Louis. *Lenin and Philosophy and Other Essays*. Translated by Ben Brewster, Monthly Review Press, 1971.
- Bosworth, Clifford Edmund. *The Ghaznavids: Their Empire in Afghanistan and Eastern Iran 994-1040*. Munshiram Manoharlal Publishers Pvt. Ltd, 1992.
- Callaghan, Dymna. *Shakespeare without Women Representing: Gender and Race on the Renaissance Stage*. Routledge, 2000.
- Drakakis, John, editor. *Alternative Shakespeares*. Routledge, 1985.
- Greenblatt, Stephan. “Invisible Bullets: Renaissance Authority and Its Subversion.” *Shakespearean Negotiations: The Circulation of Social Energy in Renaissance England*. University of California Press, 1988, pp. 21-65.
- “Martial law in the land of Cockaigne.” *Shakespearean Negotiations: The Circulation of Social Energy in Renaissance England*. University of California Press, 1988, pp. 129-163.
- Hamidi, Seyed Jafar. “An Overview of Shakespeare Works and Comparing them with Shahnameh of Ferdowsi”. *Journal of Human Sciences*, vol. -, no. 31, 2001, pp. 51-64.
- Hashemian Leyla, and Bahramipour Noushin. “A Comparison of the Sequence of Events, Narration and Characters in the Story of ‘Rostam & Esfandiar’ with the Play ‘Macbeth’.” *Comparative Literature Studies*, vol. 3, no. 12, 2010, pp. 163-175.
- Hawkes, Terence, editor. *Alternative Shakespeares 2*. Routledge, 1996.
- Henderson, Diana E., editor. *Alternative Shakespeares 3*. Routledge, 2008.
- Kemp, Theresa D. *Women in the Age of Shakespeare*. Greenwood Press, 2010.
- Lacan, J. *The Ethics of Psychoanalysis (Seminar 7)*. (D. Porter, Trans.). London: Routledge, 1992.

- Oladi Khadijeh, and Forsati Joybari Reza, Mansoorian Hosein. "A Comparative Study on Stories of 'Siyavash' and 'Othello'." *Persian Language Studies Quarterly (Shafa –E- Del)*, vol. 3, is. 6, no. 6, 2020, pp. 87-104. Doi: 4/jshd.2020.251497.1050.
- Parvini, Neema. *Shakespeare and Contemporary Theory: New Historicism and Cultural Materialism*. Bloomsbury Academic, 2012.
- Pashaei Fakhri Kamran, and Adelzadeh Parvaneh, Asadi Zohreh. "Slave and Slavery in the Shahnameh of Ferdowsi." *Persian Literature (Baharestan Sokhan)*, Islamic Azad University, Khoy Branch, vol. 14, no. 83, 2018, pp. 65-88.
- Rahimi. Mostafa. *The Tragedy of Power in Shahnameh*. Niloofar Publications, 1990.
- Sadeghi, Ali. (2018). "Political Authority and Tragedy in the Shahnameh: A Study of the Shahnameh on the Basis of Hegel's Theory of Tragedy", *HekmatvaFalsafeh (Wisdom and Philosophy)*, Vol. 14. No. 56. Pp. 147-171.
- Sayf, Abdolreza. "Bahram Choobineh and Macbeth from Ferdowsi and Shakespeare's Point of View." *Journal of the Faculty of Letters and Humanities (Tehran)*, vol. 1, no. 1, 2001, pp. 141-158.
- Sinfield, Alan. "Cultural Materialism, Othello, and the Politics of Plausibility", *Literary Theory: An Anthology*. Edited by J. Rivkin, and M. Ryan, Blackwell, 2002, Pp. 743-761.
- "Macbeth: History, Ideology and Intellectuals", *Critical Quarterly*, 1986, Vol. 28. No. 1-2.
- Tillyard, Eustace Mandeville Wetenhall. *The Elizabethan World Picture*. Chatto and Windus, 1943.
- Valadbeigi Rahmatollah, and Babakhani Tahereh. "Connection between epic and play in Shahnameh: Comparative Study of Cognitive Drama features in two Stories of 'Rostam and Sohrab' and 'Rostam and Esfandiar'." *Journal of Sociological Research*, vol. 5, no.1, 2014, pp. 7-18. Doi: 10.5296/jsr.v5i2.6167.